

## انواع استخاره و جایگاه آن در اعتقادات مردم\*

مصطفی خلعت بری لیمایی\*

### مقدمه

یکی از نعمت‌های بزرگی که خداوند به بشر ارزانی داشته، عقل است. انسان با چراغ عقل، راه‌های تاریک زندگی را به سهولت طی می‌کند و از خطرگاه‌های آن به سلامت می‌گذرد. هرکس که این چراغ را در خود فروزان نگه دارد، دنیا و آخرت او روشن و پرفروغ است.

تکیه بر عقل و استفاده از این چراغ روشنی‌بخش تا آن حد اهمیت دارد که در شرع نیز یکی از منابع استنباط احکام را عقل دانسته‌اند و رابطه تنگاتنگی میان آن دو برقرار است. تلازم بین عقل و شرع با این قاعده مشهور بیان شده است: «کلما حکم به العقل حکم به شرع»؛ هرچه را عقل بدان حکم کند، شرع نیز حکم خواهد کرد. در واقع

---

\* این مقاله خلاصه پژوهش مفصلی است که از سوی نگارنده انجام شده است و تحت عنوان جایگاه استخاره در فرهنگ مردم ایران به زودی منتشر می‌شود.

\*\* کارشناس ارشد تاریخ

تاروپود فرهنگ و باورهای دینی ما با تعقل و اندیشه‌گری در هم تنیده است، به طوری که هیچ روزنی برای ورود عوامل اندیشه‌سوز باقی نمی‌ماند.

در اعتقادات اسلامی، بر عواملی که عقل را در حقیقت‌یابی و شفاف‌اندیشی مدد می‌رسانند، تأکید فراوان شده است که مهمترین آنها مشورت است. مشورت که همان اندیشه جمعی است، بسیاری از گره‌های کوری را که عقل فردی قادر به گشودن آنها نیست، به راحتی می‌گشاید و بر نقاط تاریک، نور می‌تاباند. پیامبر اکرم (ص) که «عقل کل» نامیده شده‌اند، از سوی خداوند موظف بودند در برخی از کارها با اصحاب خود مشورت کنند: «وشاورهم فی الامر»<sup>(۱)</sup>؛ ای پیامبر در کارها با آنان مشورت کن.

در قرآن سفارش زیادی به باروری عقل و هم بهره‌وری از آن شده است. در این کتاب عظیم، بدترین موجودات کسانی معرفی شده‌اند که اندیشه‌گر نیستند.<sup>(۲)</sup> اساساً یکی از علل مهم بعثت پیامبران نیز همین بوده است که عقل‌های آدمیان را شکوفا سازند و دفینه‌های آن را استخراج کنند. چنانکه امام علی (ع) می‌فرماید: «و یشروا لهم دفائن العقول»؛ پیامبران آمدند تا گنج‌های پنهانی عقل‌ها را آشکار سازند.<sup>(۳)</sup>

در احادیث نیز مشورت، بهترین پشتیبان و برترین عامل دلگرمی است؛ «لا ظهیر کالمشاوره».<sup>(۴)</sup> با مشورت، نقص عقل فردی تا حدودی جبران می‌شود و مجموعه‌ای از اطلاعات و تجربیات گرانبها که دیگران طی سال‌های متمادی بدان‌ها دست یافته‌اند، به آسانی در دسترس قرار می‌گیرد. کسانی که به مشورت معتقدند و حاصل آن را در عمل به کار بسته‌اند، از زیان‌های مادی و معنوی فراوانی مصون مانده‌اند. در این مشورت‌ها، در واقع خیر و خوبی خود را می‌جوییم؛ کاری را در نظر گرفته و درباره آن اندیشه کرده‌ایم، ولی از یک سو به دلیل پیچیدگی موضوع و از سوی دیگر برد محدود تفکر، هنوز هم در تردید هستیم، پس به ناچار عقل‌های دیگر را هم به یاری می‌طلبیم تا ما را برای ادراک و هشپاری کمک کنند:

مشورت ادراک و هشپاری دهد عقل‌ها را عقل‌ها یاری دهد

امر شاورهم برای آن بود کز تشاور، سهو و کثر کمتر شود  
 اما بسیار اتفاق افتاده است که پس از تفکر و مشورت، باز هم در تردید هستیم و  
 توان تصمیم‌گیری قاطع را در خود نمی‌بینیم، در این هنگام و در این حالت شک و  
 دودلی عذاب‌دهنده، عقل و شرع توصیه می‌کنند به مشورتی دیگر دست بزنیم؛ ولی این  
 بار با خالق عقل و آگاه مطلق، خداوندگار هستی، کسی که به نیک و بد بندگان آگاه  
 است و خیر همگان را می‌خواهد. این گونه مشورت و خیرطلبی همان چیزی است که  
 در فرهنگ اسلامی از آن با نام «استخاره» یاد شده است. در این مختصر سعی می‌شود  
 تا به انواع استخاره، دیدگاه‌های متفاوت درباره استخاره، فرق استخاره با فال، و  
 جایگاه استخاره در فرهنگ مردم اشاره شود.

بدون تردید استخاره از امور

در اعتقادات اسلامی، بر عواملی که عقل را

متعارفی است که از دیرباز میان

در حقیقت‌یابی و شفاف‌اندیشی مدد

مسلمانان متداول بوده است و امروزه

می‌رسانند، تأکید فراوان شده است که

نیز در میان مردم ما جایگاه ویژه‌ای دارد

مهمترین آنها مشورت است.

و حتی برخی اعتقاد راسخی به آن

دارند. استخاره چون طلب خیر از

خدای متعال است، دارای فضیلت ذاتی بوده و در روایات نیز به آن اشاره شده است.

در فرهنگ مردم ما بسیاری از مؤمنان در طول زندگی به هنگام تردید و گرفتاری به

قرآن کریم پناه می‌برند و از آن کتاب مقدس، راه‌حل می‌خواهند و استخاره می‌کنند؛ لذا

بررسی و تبیین جایگاه استخاره و کیفیت روی آوردن مردم به آن و شناخت انواع

استخاره و تفاوت آنها با هم، موضوعی اساسی است که در فرهنگ مردم ایران اهمیت

فراوانی دارد و در خور پژوهش است.

استخاره در لغت به معنی طلب خیر کردن و نیکویی جستن است. استخاره انواعی

دارد که استخاره با قرآن، تسبیح، حبوبات، ورقه و رقع (ذات‌الرقاع) از آن جمله‌اند.<sup>(۵)</sup>

در تداول عامه، گاه استخاره را با حذف حرف «ت» استخاره (essexare) نیز می‌گویند. هنگامی که شخص به سبب فقدان دلیل مرجح، در اتخاذ تصمیم به اقدام یا چشم‌پوشی از اقدام به امری ناتوان شود، به وسیله استخاره یکی از دو راه را برمی‌گزیند.<sup>(۶)</sup>

### انواع استخاره در فرهنگ مردم

استخاره را به طرق مختلف انجام می‌دهند:

۱- استخاره با قرآن که خود بر دو صورت است: الف: استخاره‌کننده پس از وضو و گزاردن نماز حاجت، همچنانکه بر سجاده نشسته است، قرآن را به دست چپ می‌گیرد، انگشت اشاره دست راست را بر قطع فوقانی آن گردش می‌دهد، چشم‌ها را بر هم می‌گذارد و می‌گوید: «و عنده مفاتیح الغیب - بسم الله الرحمن الرحیم»، به دنبال این مقدمه نیت می‌کند که مثلاً: خدایا، خداوندا، اگر من به فلان کار اقدام کنم خوب است یا بد؟ سپس انگشت اشاره‌اش را در نقطه‌ای از عطف قرآن متوقف می‌کند و قرآن را از همان قسمت باز می‌کند و نخستین عبارت صفحه راست (و به اعتقادی چپ) را می‌خواند و مفهوم آن را با نیت خود مطابقت می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که استخاره خوب، بد و یا متوسط آمده است، ب: شخصی که نیاز به استخاره دارد به روحانی یا امام جماعت محل که مورد اعتماد وی باشد، رجوع می‌کند، یا نیت خود را می‌نویسد و در پاکتی در بسته به نزد روحانی یا امام جماعت می‌فرستد، روحانی پاکت را باز نمی‌کند و آن را در میان قرآن می‌گذارد و به اسم متقاضی، استخاره را انجام می‌دهد و یا اگر خود او رجوع کرده باشد به نیت او استخاره را انجام می‌دهد؛ یعنی پس از انجام ترتیباتی که گفته شد، صفحه‌ای از قرآن را می‌گشاید و ... الخ. جواب استخاره و خوبی و بدی آن را معمولاً روی پاکت حاوی نیت می‌نویسند.<sup>(۷)</sup>

۲- استخاره با تسبیح که انواع بسیاری دارد. نوعی از آن چنین است که استخاره‌کننده چشمان خود را می‌بندد و تعدادی از دانه‌های تسبیح را رد می‌کند و

سپس در نقطه‌ای از آن متوقف می‌شود و از آنجا دانه‌های تسبیح را سه تا سه تا حذف می‌کند. این مهره‌های سه‌گانه مفهومی به ترتیب چنین است: مهره یکم: خیر. مهره دوم: شر. مهره سوم: یا الله (به دلیل اینکه بد است باید از آن به خدا پناه برد). بدین ترتیب، در آخرین مرحله اگر تنها یک مهره باقی ماند، نیت استخاره‌کننده خیر است.<sup>(۸)</sup> اگر دو مهره باقی ماند، بد است و اگر مهره‌ای باقی نماند (چون مهره‌ها سه به سه رفع می‌شوند) بسیار بد. گروهی دیگر باقی ماندن یک مهره را بد، دو مهره را متوسط و سه مهره را خوب می‌دانند. (به این دلیل که بر حسب حروف ابجد، عدد حروف شر، دو است و عدد حروف خیر، سه)

۳- استخاره با دیوان حافظ (فال حافظ). این مسئله که دیوان شاعری تا به آن حد مورد اعتماد و اعتقاد ملتی قرار گیرد که قول اتفاقی او را به رغبت، ملاک امور مهم زندگی خود قرار دهند، امر غریبی است که در جهان تنها از نفوذ معنوی شاعری یگانه چون حافظ برمی‌آید. ترتیب استخاره با دیوان حافظ نیز همچون استخاره با قرآن است. صاحب استخاره (فال)،<sup>(۹)</sup> یا کسی به جای او، پس از وضو گرفتن دیوان حافظ را برمی‌دارد، می‌بوسد و به پیشانی می‌گذارد، آنگاه چشم‌های خود را می‌بندد و مانند استخاره با قرآن، با انگشت اشاره جایی را به اتفاق برای گشودن کتاب در عطف بالایی آن جست‌وجو می‌کند و در آن حال به صدق و صفای تمام چنین می‌گوید: ای حافظ شیرازی! تو کشف هر رازی، تو را به کتابت، به جان شاخ نباتت قسم می‌دهم که بگویی نیت من خیر است ان شاء الله یا نه؟<sup>(۱۰)</sup> آنگاه اگر بازکننده دیوان شخص صاحب‌نیت باشد، لبان خود را نزدیک مقطع فوقانی کتاب می‌برد و به نجوا نیت خود را با حافظ در میان می‌گذارد و دیوان را می‌گشاید و به نخستین سطر صفحه راست نگاه می‌کند، چنانچه مطلع غزل نباشد، صفحه را برمی‌گرداند و از ابتدای غزل سه بیت را می‌خواند و پاسخ استخاره خود را در یکی از این سه بیت می‌یابد.

### فرق استخاره و فال

بین استخاره و فال تفاوت‌هایی وجود دارد:

(۱) تَفأل، پیش‌بینی و حکم به وجود یا فقدان نفع و خیر امری از امور است؛ اما استخاره، پرسش از بود یا نبود این خیر و نفع است.

(۲) در تَفأل از نیک آمدن فال، پیش‌بینی و استنباط و بلکه به عقیده جازم حکم می‌کنند که از آنچه در پیش دارند، نتیجه خوب می‌گیرند؛ ولی در استخاره باید به هر نیک و بدی که حکم

استخاره باشد، عمل کنند؛ اگرچه سَر نیکی یا بدی آن را ندانند و یا حسب ظاهر، برخلاف آن حکم عمل نمایند؛ زیرا استخاره مشورت با خداست و خدا به مصلحت بنده داناتر از خود اوست و ای بسا چیزها که به نظر بنده خوب نماید؛ ولی به خیر و صلاح او نباشد یا در نظر او بد نماید، در صورتی که به خیر و صلاح او باشد، و از شروط استخاره این است که شخص معتقد باشد عین مصلحت در آن است که استخاره حکم می‌کند و حتی در حدیث است که دشمن‌ترین بندگان در نزد خداوند کسی است که خدا را متهم دارد، پرسیدند: «خدا را چگونه متهم می‌توان داشت؟» فرمود: «بدین گونه که از او استخاره کنند و از حکمی که می‌کند، ناراضی باشند.»<sup>(۱۱)</sup>

(۳) تَفأل برای امور آینده و معلوم ساختن وقوع یا عدم آن است. مانند اینکه بیمار شفا می‌یابد یا می‌میرد؟ گمشده پیدا می‌شود یا نه؟ فلان معامله سود دارد یا زیان؟ و بازگشت این پرسش‌ها و طلب علم غیب و عجله در معرفت آن است و نااهل را از حکم قطعی کردن در آن نهی کرده‌اند. برخلاف استخاره که طلب راه خیر و شر است در امری که اراده فعل یا ترک آن را دارند و تفویض تعیین آن با خدای تعالی است. از این قبیل که آیا مصلحت هست که برای علاج بیمار به فلان طبیب مراجعه کنم یا در طلب گمشده به فلان راه بروم و یا به فلان معامله اقدام کنم.<sup>(۱۲)</sup>

اما حق واقع آن است که بزرگان دین و علمای ربانی فرموده‌اند که نه تنها تفأل، بلکه استخاره به قرآن نیز در شأن هرکسی نیست؛ زیرا یکی از شروط دریافتن خوب و بد استخاره از آیات قرآنی، پس از عالم به علم تفسیر بودن و صفای باطن داشتن، علم به ظاهر و باطن و تأویل قرآن داشتن است.<sup>(۱۳)</sup> خلاصه کلام اینکه قرآن به علم خدا نازل شده است و کسی می‌تواند از آن استخاره بگیرد و به عبارتی با خدا مشورت کند که از علم خدا بهره و نصیب کافی برده باشد.

### بررسی دیدگاه‌ها درباره استخاره

در باب استخاره و تفأل، سه دیدگاه وجود داشته است و هم‌اکنون نیز وجود دارد: افراطی، تفریطی، معتدل.

دیدگاه نخست از آن کسانی است که با عقل از سر خصومت درآمده‌اند و در هر کار جزئی، پیش از سنجش و استشاره، به تفأل و استخاره رو می‌آورند. این دسته عملاً می‌گویند: عقل محدود قادر نیست خیر ما را نشان دهد و مشورت نیز در واقع رایزنی با عقل‌های محدود دیگر است، پس چه بهتر که در همان ابتدای کار با گشودن مصحف و با چنگ زدن به تسیح از آگاه مطلق و خداوندگار هستی راه درست و خیر واقعی خود را بخواهیم! معتقدان این روش از اشارت‌های صریح و روشن خداوندگار هستی و آگاه مطلق، به منظور ایمان به پیامبر باطنی (عقل)<sup>(۱۴)</sup> که یاور نیرومند پیامبر بیرونی (رسول) است، غافل شده و از توانایی‌های عظیم آن چشم پوشیده‌اند. از این رو به کم‌تدبیری گرفتار آمده و در پیچ و تاب‌های زندگی روزمره زمینگیر شده‌اند که این خود جزای نادیده گرفتن عقل است و خداوند پشت به عقل‌کنندگان را دوست ندارد. متأسفانه آنچه استخاره و تفأل را در چشم برخی ضعف و نیاز به غیب‌دانی جلوه داده، کردارهای نسنجیده همین متشرع‌مآبانی است که به پیامبر باطنی که همان عقل است، ایمان محکمی نداشته و رسالت آن را در هدایت و رهبری بشر نادیده انگاشته‌اند.<sup>(۱۵)</sup>

دیدگاه دوم (با وجود اعتقاد به اسلام) به کلی منکر استخاره و تفأل است و این دو را دریچه‌هایی می‌داند که دست پندار آدمی به روی دنیای غیب گشوده است. این

دیدگاه معتقد است: «تا وقتی انسان ظلوم جهول، دیوان طالع خود را به دست منشیان قضا و قدر می‌داند و از توان‌های خویش، بی‌اطلاع است و تا هنگامی که انسان، سرنوشت خود را فرآورده «کارگاه غیب» و به هم‌بافته تقدیر و گناه می‌شناسد و از تأثیر وجود خود غافل است، در هر جا که دریچه‌ای به دنیای غیب سراغ گیرد، چاره‌ای ندارد جز آنکه گردن دراز کند و از آنجا با بیم و امید، نقش سرنوشت ناپیدای خویش را در آفاق دوردست دنیای دیگر جستجو کند.»<sup>(۱۶)</sup> این دیدگاه نسبت به استخاره و تفأل تصویری به مراتب پراشتباه‌تر از دیدگاه اول دارد؛ زیرا اولاً انسانی که پس از تعقل و مشورت و در حال تردید و دودلی استخاره می‌کند، دست پندار به سوی غیب نگشوده است و سر غیب‌دانی و رازدانی ندارد، بلکه برای انجام و یا ترک کار خود، گواهی خاطر و اطمینان قلب و قوت اراده می‌طلبد. ثانیاً گذشته از استخاره، هر انسان باایمانی دیوان طالع خود را به دست منشیان قضاوقدر و پرورده کارگاه غیب می‌داند و این از اصول اولیه ایمان به خداست.

دیدگاه سوم با وقوف بر منزلت عقل و شناخت جایگاه مشورت به گونه‌ای استخاره و تفأل را تبیین و سپس تأیید می‌کند که عین خردورزی و هماهنگی با اندیشه‌گری است. یکی از طرفداران دانشمند و خرافه‌ستیز این دیدگاه، علامه طباطبایی، فیلسوف و مفسر بزرگ اسلامی است که نظریه خود را این‌گونه تبیین می‌کند: «حقیقت امر این است که انسان وقتی بخواهد دست به کاری بزند، ناچار است زیر و روی آن را بررسی نماید و تا آنجا که می‌تواند فکر خود را که موهبتی خدادادی است، به کار اندازد و چنانچه از این راه نتوانست صلاح خود را در آن کار تشخیص دهد، ناگزیر باید از دیگران کمک فکری بگیرد و تصمیم خود را با کسانی که صلاحیت مشورت و قوه تشخیص صلاح و فساد دارند در میان بگذارد تا به کمک فکر آنها خیر خود را در انجام و یا ترک آن کار تشخیص دهد و اگر از این راه هم چیزی دستگیرش نشد، چاره‌ای ندارد جز اینکه به خدای خود متوسل شده، خیر خود را از او مسئلت نماید که این همان «استخاره» است و نباید این کار را دعوی علم غیب دانست و نیز نباید آن را تعرض به شئون الوهیت پروردگار نام نهاد. همچنانکه مشورت را هم نباید به خیال اینکه تشریک خدای متعال در امور خود است، شرک نامید.»



«خلاصه اینکه: هیچ مانع و محذور دینی در استخاره و مشورت نیست، چون استخاره کاری جز تعیین یکی از دو طرف تردید را انجام نمی‌دهد. نه غیرواجبی را واجب، نه حلالی را حرام، نه حکمی از احکام خدا را تغییر می‌دهد و نه آدمی را به آنچه در پس پرده غیب است خبردار می‌کند، بلکه فقط و فقط می‌گوید خیر صاحب استخاره در فعل است یا در ترک و بدین وسیله او را از تردید نجات می‌دهد؛ ولی اینکه اثر فعل و ترک کار در آینده چه خواهد بود و چه حوادثی را به بار خواهد آورد، از عهده استخاره بیرون است. استخاره از تعیین این جهت، ساکت است و آینده صاحب استخاره از خیر و شر، عیناً مانند کسی است که استخاره نکرده و کار خود را با فکر و مشورت انجام داده است.»

«همین اشکال را ممکن است کسی در استخاره با قرآن هم بکند، به توهم اینکه استخاره با قرآن به دست آوردن عالم غیب است، چرا که نفس صاحب استخاره از استخاره با قرآن و تفأل به آن و امثال آن نحوست و میمندی را احساس می‌کند که اگر استخاره‌اش خوب بود، انتظار خیر و نفعی را می‌کشد و اگر بد بود، مترصد شر و ضرری می‌شود. این اشکال نیز، توهمی بیش نیست. زیرا به طریق صحیح، هم از شیعه و هم از اهل سنت روایاتی داریم که پیامبر اسلام (ص) خودش تفأل به خیر می‌زد و مردم را هم به این عمل توصیه می‌فرمود و از فال بد زدن، نهی می‌نمود و می‌فرمود: هر جا که فال بد زده شده به خدا توکل کنید و در پی کار خود بروید؛ بنابراین، هیچ مانعی از تفأل زدن با قرآن کریم و امثال آن به نظر نمی‌رسد، چون اگر استخاره خوب بود، صاحب استخاره، عمل را با طیب نفس و دل پاک انجام می‌دهد و اگر بد بود، به خدا توکل کرده، در پی کار خود می‌رود. پس استخاره با قرآن، جز همان طیب نفس و رفع تردید و سرگردانی و امید به نفع و سعادت اثر دیگری ندارد.»<sup>(۱۷)</sup>

مطالب بالا اشاره‌ای بود به سه دیدگاه مهم در خصوص استخاره و تفأل؛ ولی در این مورد نکته‌ای ظریف را که در واقع اصل و اساس استخاره است، همواره باید در نظر داشت و آن اینکه، استخاره صرفاً تضرع شدید درونی و شخصی و نوعی حالت عرفانی است که در لحظه تردید و دودلی به فرد استخاره‌کننده دست می‌دهد، به طوری که با همه وجود، خود را از درون، با مبدأ اعلی پیوند می‌زند و از او چاره می‌طلبد. از همین

روست که در احادیث معصومین علیهم السلام وارد شده است که هرکس خودش استخاره کند. چنانکه علامه مجلسی رحمه الله علیه می گوید: سیدبن طاووس رحمه الله گفته است: من حدیث صریحی ندیده‌ام که کسی برای دیگران استخاره کند و اصل آن است که هرکس برای خودش استخاره نماید.<sup>(۱۸)</sup>

علامه مجلسی در بیان این مطلب می گوید: «اولی و احوط آن است که هرکس برای خودش استخاره کند؛ زیرا ما هیچ حدیثی نداریم که شخصی به وکالت از دیگری استخاره نماید و اگر وکالت در استخاره جایز و یا بهتر بود، شایسته و سزاوار بود که اصحاب از امامان علیهم السلام تقاضای استخاره نمایند و اگر چنین چیزی می بود، نقل می شد و دست کم، یک روایت در این مورد به ما می رسید، به علاوه آن کس که مضطر و حاجتمند است، اگر خودش استخاره کند به اجابت نزدیک تر و دعای او به اخلاص در نیت نزدیک تر است.»<sup>(۱۹)</sup>

البته باید متذکر شد استخاره‌هایی که علما برای مردم انجام می دهند، به این دلیل که آن فرزائگان با قرآن مأنوس ترند و آشنایی بیشتری با تفسیر دارند، بهتر از مردم عادی فضای آیات را از نظر مثبت و منفی بودن استخاره درک می کنند. شاید این حدیث شریف در اصول کافی خطاب به آن دسته از افرادی باشد که معانی آیات را به درستی نمی فهمند، آنجا که می فرماید: «به قرآن تفأل مزین».<sup>(۲۰)</sup>

نکته آخر اینکه انسانی که پیوندی عمیق با خدا برقرار کرده است، در وقت اضطرار، نه تنها با آیات قرآن و یا دانه‌های تسبیح بلکه با تمامی پدیده‌های هستی، خود را از تردید می رهاند و خداوند با تک تک پدیده‌ها و با جزئی ترین آنها، راه را به او نشان می دهد.

## انواع استخاره در متون دینی پژوهش علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### ۱) استخاره مطلق

استخاره‌ای است که در آن هیچ شک و شبهه‌ای نیست و در اخبار و روایات ما از آن بیشتر نام برده شده است و اهل دل و عرفان دائماً با چنین استخاره‌ای در تمامی

مراحل کارها، حتی جزئی‌ترین آنها، سروکار دارند. این استخاره در واقع نوعی دعا و طلب خیر کردن است و تنها مربوط به مواقع شک و دودلی و تردید نیست. از همین روست که امام صادق (ع) فرمود که خداوند می‌فرماید: «من شقاء عبدی ان یعمل الاعمال و لایستخیرنی». از بدبختی بنده من آن است که کاری از کارهایش را بدون استخاره (طلب خیر) از من انجام دهد.<sup>(۲۱)</sup>

## ۲- استخاره مشورتی

یکی از انواع استخاره، «استخاره مشورتی» است، آن هم مشورت با مؤمنان. روش این نوع استخاره چنین است: در کتاب‌های محاسن، معانی الاخبار و فتح الابواب به سندهای معتبر از امام جعفر صادق (ع) آمده است که هرگاه یکی از شما کاری را اراده کند، با کسی مشورت نکند تا آنکه پیش از آن با خدا مشورت کند. راوی پرسید: چگونه با خدا مشورت کند؟ فرمود: اول از حق تعالی، خیر خود را طلب کند، بعد از آن با مؤمنان مشورت کند تا خدا آنچه خیر او در آن است به زبان ایشان جاری گرداند.<sup>(۲۲)</sup>

## ۳- استخاره قلبی

شیخ طوسی در کتاب اقتصاد می‌نویسد: «کسی که اراده انجام کاری را کرده است، سنت است که غسل کند و دو رکعت نماز به جا آورد، بعد از آن به سجده رود و صد مرتبه بگوید:

«استخیرالله تعالی فی جمیع اموری کلها خیره فی عافیة»، پس از آن، آنچه به دلش و قلبش افتاد، عمل کند.»<sup>(۲۳)</sup>

## ۴- استخاره با قرآن

کلینی از حضرت امام جعفر صادق (ع) روایت کرده است: «به قرآن تفأل مکن».<sup>(۲۴)</sup>

علامه مجلسی می‌نویسد: «مشایخ ما این حدیث را تأویل می‌کردند که مراد، نهی از فال گشودن از قرآن است که احوال آینده را از آیات استنباط کنند، چنانچه برخی از جاهلان این را وسیله روزی خود کرده به این نحو، مردم را فریب می‌دهند و ممکن است مراد، نهی از تفلّ و تطیری باشد که اکثر خلق از دیدن و شنیدن برخی امور می‌کنند و بعضی را بر خود مبارک و برخی را شوم می‌گیرند. مانند صدای کلاغ و جغد و دیدن بعضی از حیوانات و غیر آن در آغاز سفر و احوال دیگر؛ یعنی از شنیدن آیات کریمه، فال نیک و بد می‌گیرند و شاید یک حکمتش این باشد که باعث کم اعتقادی مردم به قرآن کریم گردد، اگر موافق نیفتاد».<sup>(۲۵)</sup>

از رسول خدا (ص) نقل شده است که فرمود: «هنگام استخاره با قرآن ابتدا سه بار سوره توحید را بخوان، سپس سه بار صلوات بر محمد و آلش بفرست، سپس بگو: «اللهم تفلّت بکتابک و توکلت علیک، فارنی من کتابک ما هو مکتوم من سرک المکنون فی غیبک».

یعنی خدایا به کتاب تو تفلّ می‌زنم و بر تو توکل می‌کنم، پس از کتابت آنچه را که در نهان غیب تو پوشیده شده است، به من بنمایان.

پس از این دعا، قرآن را بگشا و از سطر اول، صفحه سمت راست، مقصود خود را به دست آور.<sup>(۲۶)</sup>

البته سفارش شده است قرآنی که با آن استخاره می‌کنند، قرآن کامل باشد نه قرآنی که یک جزء یا چند جزء دارد و امروزه معمولاً در مجالس فاتحه می‌آورند.

##### ۵- استخاره با تسبیح

علامه مجلسی به نقل از پدرش از شیخ بهایی می‌نویسد: «ما دست به دست از مشایخ خود شنیده‌ایم که حضرت صاحب‌الامر (عج) در مورد استخاره با تسبیح روایت می‌کردند که: سه مرتبه بر محمد و آل محمد صلوات بفرست، سپس میانه تسبیح را بگیر و دو تا دو تا رد کن، اگر آخری جفت آمد، بد است و اگر طاق آمد، خوب است».<sup>(۲۷)</sup>

علامه مجلسی می‌نویسد: پدرم ملامحمدتقی مجلسی اکثر اوقات در اموری که عجله داشتند، این گونه استخاره می‌کردند.

#### ۶- استخاره با کاغذ (ذات الرقاع) <sup>(۲۸)</sup>

اکثر علما این نوع استخاره را بهترین استخاره می‌دانند. در کتاب «احتجاج» آمده است که «حمیری»، عریضه‌ای به خدمت حضرت صاحب الامر نوشت و پرسید: «اگر کسی در انجام یا ترک کاری مردد شود و دو انگشتر بگیرد و در یکی بنویسد، «بکن» و بر دیگری «مکن»، پس هر دو را پنهان کند و چندین مرتبه خیر خود را از حضرت احدیت طلب کند، آنگاه یکی از آنها را بیرون آورد و به آن عمل کند، آیا حکم استخاره دارد؟» حضرت در جواب نوشتند: «آنچه عالم اهل بیت (ع) در باب استخاره مقرر فرمودند، نماز کردن و رقعہ نوشتن است؛ یعنی چنان باید کرد.» <sup>(۲۹)</sup>

#### استخاره به تسبیح به نقل از امام زمان (عج)

این استخاره منسوب به امام زمان (عج) است که شیخ بهایی آن را نقل کرده و به این ترتیب است که ابتدا سوره حمد و بعد انا انزلنا (سوره قدر) را بخوان و بعد هم بر محمد و آتش صلوات بفرست، سپس دعای استخاره را بخوان و بعد قبضه‌ای از تسبیح را بگیر و آن را هشت دانه، هشت دانه بشمار و اگر یکی ماند خوب و نیک است و اگر دو تا ماند، بد است و اگر سه تا ماند، میانه است و اگر چهار تا ماند بد است اگر پنج تا ماند خوب است؛ ولی با رنج و سختی و اگر شش تا ماند، خوب است و باید عجله کند و اگر هفت تا ماند رنج و ملامت دارد و بد است و اگر هشت تا ماند بد است. <sup>(۳۰)</sup>

در کتاب کشکول ممتاز، اشعاری درباره تفأل به قرآن با حروف آورده شده است که در واقع تفسیر هر حرفی است که در استخاره با قرآن با آن برخورد می‌کند:

گشا مصحف ورق زان هفت گردان      شمر از سطر هفت از هفتمین آن  
ز هفتم سطر حرف اول است فال      عقیدت را بر آن ای صاحب فال

چو فال آید «الف» خیر و صواب است	ز «ب» از منعمانت فتح باب است
چو «ت» آید ببايد توبه زان کار	ز «ث» دنیا و دین بر دست می یار
چو «ج» آید بکن جهدی و می کوش	ز «ح» از اقربا جام خوشی نوش
چو «خ» آید امان از خوف می جوی	ز «د» اصحاب دولت را خبرگویی
چو «ذ» آید تو خود آن خوار بینی	ز «ر» نیکی بود شادان نشینی
چو «ز» آید بیابی مال بی حد	ز «س» بینی سعادت های بی حد
چو «ش» آید خصومت پیشت آید	ز «ص» ای خواجه صبر و مکث باید
چو «ض» آید در آن کار است گرانی	ز «ط» زاهد شوی تقوی برانی
چو «ظ» آید ظفر بر دشمنان است	ز «ع» امر محبت ها عیان است
چو «غ» آید خطر باشد بده مال	ز «ف» شادی ترا باشد به هر حال
چو «ق» آید شوی مقبول در قول	ز «ک» ایمن نباید بود از هول
چو «ل» آید برآید حاجتت زود	ز «م» آید ملامت های مشهود
چو «ن» آید بود آن کار نیکوی	ز «و» هست نعمت تو توی برتوی
چو «ه» آید خدا خشنود و خصمان	ز «لا» تشویش باشد نی نه چندان
چو «ی» آید ز غایب مژده یابی	که خشنود مائی از نعم الهی <sup>(۳۱)</sup>

### استخاره در اشعار شاعران

فرهنگ دینی مردم بازتاب گسترده ای در ادبیات ایرانی دارد، یکی از اجزای این فرهنگ، استخاره است که به طور خلاصه به این موضوع اشاره می کنیم.

راهی است راه عشق که هیچش کناره نیست  
 آنجا جز آنکه جان بسپارند چاره نیست

هرگه که دل به عشق دهی خوش دمی بود  
 در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست

ما را ز منع عقل مترسان و می بیار  
 کان شحنه در ولایت ما هیچ کاره نیست

(حافظ)

\*\*\*

به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم  
 بهار توبه شکن می‌رسد چه چاره کنم  
 سخن درست بگویم نمی‌توانم دید  
 که می‌خورند حریمان و من نظاره کنم  
 به دور لاله دماغ مرا علاج کنید  
 گر از میانه بزم طرب، کناره کنم  
 (حافظ)

\*\*\*

بر روی غیر تو گر قصد یک نظاره کنم  
 همان به مصحف روی تو استخاره کنم  
 (حافظ)

\*\*\*

من و لباس تجرد که خرقه پوشی من  
 به استخاره «ذات الرقاع» خوب آمد  
 (حافظ)

\*\*\*

مرا ز خضر طریقت، نصیحتی یاد است  
 که «بی گواهی خاطر» به هیچ راه مرو  
 صائب تبریزی

\*\*\*

بهار آمده، دستار زهد پاره کنید  
 به پیش پیر مغان رفته استشاره کنید  
 سزد ز دانه انگور، سبجه‌ای سازید  
 برای رفتن میخانه استخاره کنید  
 امام خمینی (ره)

### استخاره در فرهنگ مردم ایران

استخاره در اسلام جایگاه و کاربرد ویژه‌ای دارد، اما اینکه این جایگاه در فرهنگ دینی مردم ایران چگونه است و دیدگاه مردم در این زمینه چیست، به بررسی بیشتری نیاز دارد. گفتیم که استخاره به معنای طلب خیر و نیکی خواستن است از خداوند؛ یعنی وقتی انسان بر سر دو راهی انتخاب قرار می‌گیرد و با تدبیر عقل خود، نمی‌تواند راه

صلاح و منتهی به خیر را پیدا کند، به استخاره و تفال رو می‌آورد و از این طریق، به اطمینان قلبی می‌رسد و اقدام به عمل و کار و حرکت می‌کند و از شک و وسوسه و دودلی و تردید رهایی می‌یابد و این همان فایده عملی این روش یعنی استخاره یا تفال است که در میان ملل دیگر نیز، به روش‌های دیگر، تا اندازه‌ای رواج دارد.

اگر مشاوره را نوعی رابطه بین دو فرد یا افرادی بدانیم که یکی قصد دارد دیدگاه‌های مشاور خود را که مورد وثوق و فردی خیرخواه است، در حل مشکل خویش بداند و از وی کمک گیرد و می‌داند که مشاور او فردی مدیر، مدبر، کاردان و با تجربه است که نظر او می‌تواند بسیار مفید باشد، بنابراین، شخص در خصوص کاری که می‌خواهد انجام دهد، با مشاور صحبت می‌کند و این تبادل نظر برای مشورت‌کننده بسیار تسکین‌دهنده است، چون در صحبت و گفتگویی که می‌شود، طرز تفکر و احساس و نوع عمل شخصی را که به شک و تردید افتاده است و به دلایل مختلف توان تصمیم‌گیری نهایی را ندارد، تغییر می‌دهد و او را هدایت می‌کند. این رابطه اجتماعی حسنه که به موجب آن دو نفر برای نیل به هدف یا اهداف شخصی به تبادل نظر می‌پردازند، یکی از خصیصه‌ها و رفتارهای پسندیده اجتماعی است و این رفتار، فرد را در رویارویی و مقابله موفقیت‌آمیز با مسائل و مشکلات یاری می‌دهد. به قول سعدی:

با یکی یار و کس مشاوره کن      در اموری که پر خطر بینی  
کز یک آینه پیش رونگری      وز دو آینه پشت سر بینی

طرز تفکر و نوع نگرش و دیدگاه‌های اشخاص در خصوص امور مختلف، متفاوت است. اگر امر خیری در کار باشد و همه موافق این باشند که آن کار هر چه زودتر عملی شود و حتی خود فرد نیز نظر مثبت درباره آن داشته باشد، ولی باز ممکن است برای اطمینان خاطر از انجام آن کار به‌طور دلخواه، پس از تأمل و تفکر و برای رفع تشویش و نگرانی، با خیرخواهان و افراد معتمد و با تجربه مشورت کند. در واقع او خود تمامی جوانب کار را می‌سنجد، ولی به دلیل بی‌اطلاعی و ناآگاهی از آنچه در آینده



ممکن است پیش آید و اسباب زحمت شود، نگران می‌شود و در اینجاست که برای رهایی از نگرانی و رسیدن به آرامش روحی و روانی، تنها راه حل این تردید به وجود آمده در دل را کمک گرفتن از باری تعالی و مشورت کردن با او، که داننده بی‌همتای تمامی اسرار جهان هستی است، می‌داند و این مشاوره از طریق استخاره صورت می‌پذیرد.

مأوای هر آواره او، بیچارگان را چاره او دلدار هر غمخوار او، غفار هر صاحب ندم پس به او پناه می‌برد و با او مشورت می‌کند و او را به یاری می‌طلبد و از او مدد می‌جوید؛ چنانکه بشارت داده است: «بشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدیهم الله و اولئک هم اولوا الالباب». «پس بشارت بده بندگان مرا، آنان که سخن را می‌شنوند و بهترینش را پیروی می‌کنند، آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است و خردمندان هم آنانند». پس استخاره مشورت با خداست؛ آنچه خدا می‌فرماید، انجام می‌دهد و اگر نهی کند، از انجام آن خودداری می‌ورزد. کسی که در انجام امور به استخاره رو می‌آورد، از این طریق خود را از هر گونه دغدغه خاطر و تشویش و نگرانی رهایی می‌بخشد، دیگر از عاقبت کار و آنچه قرار است در آینده روی دهد و اتفاق افتد، دلهره‌ای ندارد و چون راهی را که خداوند برایش ترسیم کرده است، می‌پیماید، لذا با طیب خاطر به آن کار مبادرت می‌ورزد. برخی پژوهشگران معاصر در تحقیقات خود در زمینه فرهنگ عامه گاهی به چگونگی و نحوه انجام استخاره در فرهنگ مردم نیز اشاره‌هایی داشته‌اند. برای مثال، هائری ماسه درباره استخاره می‌نویسد: «هر وقت در انتخاب چیزی یا اقدام به کاری تردید کنند به وسیله قرآن یا تسبیح استخاره می‌کنند. قرآن را به دست چپ می‌گیرند، نیت می‌کنند، چشم‌ها را می‌بندند و انگشتان دست راست را به طور تصادفی روی قسمت فوقانی قرآن می‌گذارند، باز می‌کنند و می‌خوانند و از روی معنی نخستین آیه صفحه معلوم می‌شود که خوب، متوسط و یا بد است. و یا اینکه چشم‌ها را می‌بندند و قرآن را باز می‌کنند و هفت صفحه به عقب بر می‌گردند و عبارتی را که هنگام باز کردن چشم‌ها دیده‌اند،

می خوانند. برخی ترجیح می دهند که به یک نفر روحانی مراجعه کنند و استخاره را توسط او انجام می دهند. در این صورت پرسشی را بر روی برگ کاغذی می نویسند و پاکت را می بندند و به نزد روحانی می فرستند، فرد روحانی آن برگ را لای صفحات قرآن می گذارد و بعد کتاب آسمانی را باز می کند، نخستین خط از صفحه چپ، پاسخ آن پرسش خواهد بود. در این نوع استخاره که جنبه مذهبی دارد، تسبیح می تواند جانشین قرآن بشود. در این صورت انتهای تسبیح را به دست می گیرند، چشم‌ها را می بندند و با دست راست قسمتی از تسبیح را سوا می کنند و دانه‌های سوا شده را می شمارند، اگر یک دانه باقی ماند خوب است و اگر دو دانه باقی ماند، بد و یا اینکه دانه‌ها را یک به یک می شمارند و موقع دست بردن به دانه اول می گویند: «سبحان الله»، و این خوب است، دومی «الحمد لله»، متوسط و سومی «لااله الا الله»، بد است، آخرین دانه هر چه باشد، پاسخ استخاره خواهد بود.<sup>(۳۲)</sup>

براساس یافته‌های پژوهش جایگاه استخاره در فرهنگ مردم، عده‌ای ایمان بسیار به استخاره دارند و در امور مهم بدون استخاره کاری را انجام نمی دهند. این عده معتقدند در کار و امور مهم مشورت کردن خوب و پسندیده است و چه مشاور و یاری دهنده‌ای بهتر و بالاتر از خداوند منان؟ پس با تفأل زدن به کتاب آسمانی (قرآن مجید) هر آنچه دستور داده شده و آمده است، آن گونه عمل می کنند و به رحمت پروردگار امید می بندند و اگر در استخاره حکم بر این باشد که آن کار صورت گیرد، با اعتماد و جد و جهد و توکل به خدا و با آرامش خاطر و بدون هر گونه شک و تردید آن کار را انجام می دهند، و اگر آمده باشد که ترک فعل شود و صلاح نیست آن کار صورت پذیرد، هرگز آن را انجام نمی دهند؛ ولو اینکه با این اقدام متحمل ضرر و زیان و از دست دادن سود و نفع سرشار شوند، چون اعتقاد دارند و بر این باورند که حکمتی در آن بوده و خداوند حکیم آگاه بر حقایق است.

عده‌ای نیز اعتقاد به استخاره دارند، ولی تنها گاهی اوقات به استخاره رجوع می کنند و آن هم زمانی است که پس از مشاوره با اطرافیان و خیرخواهان و کسانی که

تجربه کافی در زمینه فوق دارند، و همچنین پس از تجزیه و تحلیل مسائل و اتفاقات احتمالی، در تصمیم‌گیری مردد می‌مانند و در شک و تردید می‌افتند و بر سر دو راهی قرار می‌گیرند و قدرت تصمیم‌گیری آنها سست می‌شود و آرامش فکری آنها در هم می‌ریزد و نوعی بیم و خوف از آینده کار در دلشان راه می‌یابد و در سرگردانی و بلاتکلیفی دست و پا می‌زنند، پس بنا به صلاح‌دید دوستان برای خلاصی یافتن از نگرانی و تشویش، به استخاره رومی آورند و پس از استخاره آنچه صلاح باشد به آن عمل می‌کنند و در نتیجه به آرامش روحی دست می‌یابند و اراده آنها قوی می‌گردد.

عده‌ای نیز اعتقاد به استخاره دارند، ولی از ترس اینکه مبادا در کار مهمی که پیش رو دارند و با محاسباتی که انجام داده‌اند، در صورت عمل به نتیجه استخاره، منافعشان در خطر افتد، از انجام دادن آن پرهیز می‌کنند. این عده تنها به هنگام درماندگی و قطع امید از همه کس و همه چیز، به خود می‌آیند و تفرّلی می‌زنند.

عده‌ای نیز اعتقاد چندانی به استخاره ندارند و حتی کسانی را که استخاره می‌کنند، مورد سرزنش قرار می‌دهند و در انجام استخاره الزامی نمی‌بینند و استخاره را زائیده تفکرات متقدمان می‌دانند و معتقدند در عصر ارتباطات و فناوری این کار معنا و مفهومی ندارد.

عده‌ای هم به استخاره اعتقاد دارند ولی آن را انجام نمی‌دهند، چون معتقدند وقتی نفس عمل خیر است و دل به نیکی گواهی می‌دهد، نیازی به تفرّال و استخاره نیست. عده‌ای نیز استخاره را نه نفی می‌کنند و نه تأیید. این افراد معتقدند آنهایی که استخاره را نوعی مشورت و مصلحت‌اندیشی با خداوند می‌دانند، پس به این امر ایمان و اعتقاد دارند و بایستی برای اعتقادات دیگران احترام قائل شد و آنهایی هم که براساس اعتقادات خویش کارشان را انجام می‌دهند، عملکردشان خوب و درست است و نباید کسی را به دلیل معتقداتش ملامت کرد. این گروه استخاره را تأیید هم نمی‌کنند، چون بر این باورند که خداوند به انسان عقل و هوش و فکر و ذکاوت داده است و بنده‌ای

که کارهایش را با فهم و شعور و عقل و تدبیر انجام می‌دهد، همیشه مورد لطف خداوند است و خدا در همه کارها او را کمک و یاری خواهد کرد. عده‌ای نیز بدون اینکه خود خبر داشته باشند، دیگری برایشان استخاره می‌گیرد و نتیجه را به اطلاع آنها می‌رساند. اگر فرد در کار و امر مهمی که قرار است انجام دهد، تمامی جوانب کار را بسنجد و با محاسبات خود، نتیجه کار آن گونه که باید، در نظرش مطلوب نباشد و دچار تشویش و نگرانی شود و در تصمیم‌گیری مردد بماند، در این حالت یکی از اقوام یا دوستان خیرخواه که از موضوع کاری و علت تشویش وی با خبر است، بدون اینکه فرد در جریان باشد، به استخاره برای او مبادرت می‌کند و نتیجه استخاره هر چه باشد، برای رهایی فرد از تشویش و نگرانی، به اطلاع او می‌رساند و آن شخص نیز براساس آنچه در استخاره صلاح آمده است، عمل می‌کند و این مورد کمتر رواج دارد.

در نهایت باید گفت که استخاره همانا مصحلت‌اندیشی و طلب خیر کردن و فال نیک زدن است. اینجاست که فرد مؤمن پس از نیت، وضو می‌گیرد، به نماز می‌ایستد، پیشانی بر خاک می‌ساید، اظهار عبودیت و بندگی می‌کند، دعا می‌خواند و صلوات می‌فرستد و دست به سوی مُصَحَّف شریف می‌برد و آن را می‌بوسد، زیر لب زمزمه می‌کند: خدایا، خداوندا، فال می‌زنم به کتابت و توکل می‌کنم بر تو، بنما بر من از کتابت، آنچه را که نهان است از سر و غیب خودت. بعد کتاب را باز می‌کند، می‌خواند، آگاهی می‌یابد و به حقیقت می‌رسد و از تمامی تشویش‌ها و نگرانی‌ها رهایی می‌یابد و به پا می‌خیزد و آن گونه که خداوند فرموده است، عمل می‌کند.

در اینجا ذکر آنچه امام خمینی (ره) در زمینه استخاره و تفأل بیان داشته‌اند، خالی از لطف نخواهد بود. ایشان در کتاب کشف‌الاسرار خود می‌فرمایند: «اخبار و احادیثی که درباره استخاره است، وعده نکرده‌اند که همیشه شما را به مقصود، بی‌کم و کاست برسانند، بلکه آنچه وعده شده است، این است که خدای عالم به کسی که از او خیر بخواهد، خیر می‌دهد. اگر در این جهان صلاح باشد، اینجا می‌دهد و گرنه برای او

ذخیره می‌کند. باید توجه داشته باشیم که برای انجام استخاره نیاز است نکاتی را که در این باره از اهمیت زیادی برخوردار است، مدنظر قرار داد. ابتدا باید از کاربرد اصلی استخاره درک صحیح و عاقلانه‌ای داشته باشیم. همچنین به شرایط زمانی، هنگام استخاره و نیز شخص استخاره‌کننده توجه کنیم، باید بدانیم که انجام استخاره چه کاربردی دارد و چه زمانی برایمان سودمند است.<sup>(۳۳)</sup>

نتیجه:

۱- براساس نوشته‌های فرهنگیان، بیشتر مردم در هر زمانی یا به عبارتی در هر شرایط و حالتی به استخاره روی می‌آورند و البته اولویت آنها برای انجام استخاره، هنگام نماز صبح و اعیاد مذهبی است.

۲- بیشتر مردم برای انجام دادن استخاره با قرآن، اغلب به فرد دیگری (روحانی و پیشنهاد مسجد) مراجعه می‌کنند و استخاره با تسبیح را بیشتر خودشان انجام می‌دهند.

۳- انگیزه مردم برای انجام استخاره بیشتر طلب خیرکردن از خداوند متعال و دستیابی به راه و جواب صحیح است.

۴- موارد رجوع به استخاره اغلب شامل ازدواج، مسافرت، مسائل روزمره زندگی و غیره است.

۵- در مورد نوع استخاره‌ای که توسط مردم انجام می‌شود، استخاره با تسبیح در جایگاه اول و استخاره با قرآن و ورقه در جایگاه بعدی قرار دارند. بدیهی است استخاره با تسبیح به دلیل سهل‌الوصول بودن و اینکه خود شخص می‌تواند آن را انجام دهد، بیشتر استفاده دارد.

۶- براساس پژوهش صورت گرفته، فال‌های رایج در مناطق مختلف کشور به ترتیب مهره به دوره (۵ مورد)، فال حافظ (۵ مورد)، چهل سرود (۴ مورد)، و سایر فال‌ها، همچون فال بولونی (boloni) و غیره (۳ مورد) هستند. فال مهره به دوره با اسامی مختلفی در اغلب نقاط کشور رایج است.

۷- اکثریت مردم به استخاره اعتقاد فراوانی دارند و در هر صورت به نتیجه آن عمل می‌کنند و برخی نیز در صورت خوب آمدن نتیجه استخاره به عمل به آن پایبندند.

۸ - در میان فال‌های رایج، برخی از مردم برای تفنن و سرگرمی به آنها رجوع می‌کنند و به نتیجه آن اعتقاد چندانی ندارند و اغلب، چنین فال‌هایی برای تکمیل مراسم یا جمع خودمانی که به مناسبت‌های گوناگون بر پا می‌شود، انجام می‌گیرد.

## پی‌نوشت:

- ۱- آل عمران، آیه ۱۵۹.
- ۲- سوره انفال، آیه ۲۳.
- ۳- نهج‌البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران، سازمان انتشارات، ۱۳۶۸، خطبه اول.
- ۴- هیچ پشتیبانی مثل مشورت نیست. نهج‌البلاغه، کلمات قصار، ص ۵۴.
- ۵- لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه استخاره.
- ۶- شاملو، احمد، کتاب کوچه، جلد اول، ذیل واژه استخاره، تهران، مازیار، ۱۳۷۱.
- ۷- شاملو، احمد، همان، ص ۴۱.
- ۸- می‌توان به این دوبیتی از دهقان سامانی استناد کرد:  
 مه من صبح خور شود پیدا      تو به وقت غروب آمده‌ای  
 طاق‌مانند استخاره بیا      تا بگویم که خوب آمده‌ای
- ۹- در این معنی فال حافظ به دلیل شباهت و همچنین لسان‌الغیب بودن حافظ و محفوظ داشتن قرآن در سینه خود، بیشتر به استخاره شبیه است تا فال و مراد از فال در اینجا استخاره است.
- ۱۰- صادق همایونی، مفتاح استخاره را به صورتی که در شیراز مرسوم است، چنین آورده: یا خواجه حافظ شیرازی، تو کاشف هر رازی، تو را به حق خرقه‌ای که پوشیدی، به شراباً طهورایی که نوشیدی، تو را به شاخ

- نیابت قسم، به یکتایی خدا قسم، به رسالت رسول خدا قسم، پیشامد حال من (یا فلانی) را به من بنما. همایونی، صادق، گوشه‌هایی از آداب و رسوم مردم شیراز، فرهنگ و هنر فارسی، ص ۲۴۵
- ۱۱- همان، ص ۹۰.
- ۱۲- لسان، حسین، تغال و تطیر، مجله هنر مردم، شماره ۱۸۳، ص ۳۱-۳۵.
- ۱۳- وجدانی، محمد. الهاماتی از خواجه حافظ، تهران، حیدری، ۱۳۵۱، ص ۹۱.
- ۱۴- علامه مجلسی، بحارالانوار، جلد اول، ص ۱۳۷: ان الله علی الناس حججین، حجه ظاهره و حجه باطنه، فاما الظاهر فالرسول و الانبیاء و الائمه علیهم السلام و اما الباطنه فالعقول. ترجمه همانا برای مردم دو حجت است، حجت ظاهر و حجت باطن، پس همانا حجت ظاهر رسول و انبیاء و ائمه (ص) و حجت باطن عقل آنهاست.
- ۱۵- طریقه‌دار، ابوالفضل، کند و کاوی درباره استخاره، قم: ۱۳۸۰، ص ۱۴.
- ۱۶- زرین کوب، عبدالحسین، یادداشت‌ها و اندیشه‌ها، تهران، جاویدان، ۱۳۶۲، ص ۲۷۲.
- ۱۷- علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی، تهران، ۱۳۶۷، جلد ۶، صص ۱۸۸-۱۸۵.
- ۱۸- بحارالانوار، جلد اول، ص ۲۸۵، به نقل از طریقه‌دار، کند و کاوی درباره استخاره، ص ۱۷.
- ۱۹- همان
- ۲۰- اصول کافی، جلد ۲، ص ۲۹. باید گفت که استخاره و فال معمولاً معنای یکسانی دارند، چنانکه در دعای استخاره با قرآن کریم می‌خوانیم «اللهم تغالبت بکتابک»، یعنی خدایا به کتاب تو فال می‌زنم. شاید بتوان این فرق را هم قائل شد که از میان انواع استخاره، استخاره‌هایی که ابزار محسوس مثل قرآن، دیوان شعر، تسبیح، کاغذ و ... دارند، آنها را فال هم گویند و استخاره‌هایی که هیچ ابزاری جز دعا و قلب ندارند، آن را فقط استخاره می‌گویند. ر.ک طریقه‌دار، همان، ص ۴۵.
- ۲۱- علامه مجلسی، بحارالانوار، جلد اول، ص ۲۲۲.
- ۲۲- همان، ص ۷۶.
- ۲۳- علامه مجلسی، مفاتیح الغیب، ص ۳۴.
- ۲۴- اصول کافی، ج ۲، ص ۶۲۹.
- ۲۵- علامه مجلسی، مفاتیح الغیب، صص ۴۳ - ۴۲.
- ۲۶- بحار الانوار، ج ۹۱، ص ۲۴۱، مفاتیح الغیب، صص ۴۵ - ۴۴.
- ۲۷- مفاتیح الغیب، ص ۵۲.
- ۲۸- رفاع، جمع رقعہ به معنی کاغذ است.

۲۹- مفاتیح الغیب، ص ۵۳، به نقل از احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۳۱۴.

۳۰- همان، ص ۱۵۸.

۳۱- از حضرت علی (ع) نیز در مورد تفأل به قرآن با حروف روایتی وارد شده است. رک: همان، صص ۱۶۲ - ۱۶۱.

۳۲- هانری، ماسه، معتقدات و آداب ایرانی، مجلد اول، ترجمه مهدی روشن ضمیر، تبریز، ایرانشناسی، ۱۳۵۵، صص ۴۱-۴۳۹.

۳۳- کشف الاسرار، قم، پیام اسلام، بی تا، ص ۹۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی